

### بررسی رابطه عوامل فرهنگی خانواده با خشونت علیه زنان در شهرستان قروه

۱	فریده حمیدی	تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۵/۲۴
۲	اسعد محمدی	تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۲/۱۰
۳	بهرام محمدی	صفحات مقاله: ۴۳-۸۲

#### چکیده

پژوهش حاضر به عنوان طرحی توصیفی - همبستگی و با هدف سنجش میزان خشونت علیه زنان و عوامل فرهنگی مرتبط با آن انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل با دو قومیت کرد و ترک تشکیل می‌دادند که تعداد ۶۴۰ نفر از آن‌ها به روش نمونه گیری تصادفی نسبتی (۶۷/۱۸ درصد کرد و ۳۲/۸۲ درصد ترک) انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات دو پرسشنامه بود که بعد از برآورد اعتبار (از طریق تحلیل عاملی) و پایایی (از طریق آلفای کرونباخ) در بین پاسخگویان توزیع شد. بعد از تکمیل پرسشنامه ها با استفاده از نرم افزار SPSS16 ضرایب آماری متناسب با نوع متغیرها (آزمون های t، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس) محاسبه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج آزمون فرضیات بیانگر این است که تفاوت معناداری بین میزان خشونت در اقوام کرد و ترک وجود ندارد. اعتقاد مرد به پدرسالاری، آداب و رسوم و اعتقادات

۱. استادیار روان شناسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

fhamidi@srttu.edu

۲. کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی

aseadmohammadi@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

bhm\_bb85@yahoo.com

مذهبی زوجین از عوامل تأثیرگذار بر میزان خشونت علیه زنان است. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره بیانگر این است که متغیرهای مستقل (عوامل فرهنگی) وارد شده بر مدل قادر هستند ۴۵٪ از تغییرات متغیر وابسته (خشونت علیه زنان) را تبیین کنند و اعتقاد مرد به پادرسالاری بیشترین تأثیر و آداب و رسوم کمترین تأثیر را بر میزان خشونت دارا هستند.

\* \* \* \* \*

#### کلیدواژه:

خشونت علیه زنان، خشونت اقتصادی، خشونت فرهنگی، خشونت روانی، خشونت اجتماعی، خشونت فیزیکی

## مقدمه

مسئله خشونت خانوادگی از قبل در خانواده وجود داشته و در دهه‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان جامعه و پژوهشگران اجتماعی و حتی مردان سیاسی قرار گرفته و به عنوان موضوع جدید اجتماعی مطرح شده است. در میان انواع خشونت در خانواده، مسئله خشونت علیه زنان موضوع بسیار مهمی است و به دلیل آثار و پیامدهایی که دارد، از جنبه‌های مختلف قابل بررسی و تحقیق است. تعاریف مختلفی از پرخاشگری وجود دارد. از نظر بوشمن<sup>۱</sup> و اندرسون<sup>۲</sup> پرخاشگری هرگونه رفتاری است که با قصد و نیت قبلی برای آسیب زدن به فرد دیگر اعمال می‌شود و در مجموع فرد مرتکب باید معتقد باشد که رفتار او موجب وارد شدن صدمه و آسیب به قربانی می‌شود و قربانی نیز انگیزه اجتناب از این رفتار را دارد. به عنوان مثال، آسیب و صدمه تصادفی و صدمات ناشی از انجام برخی از کارهای مفید مانند اعمال جراحی، پرخاشگری نیست، چون قربانی انگیزه‌ای برای اجتناب از آن ندارد (اندرسون ۲۰۰۲: ۱۲۱). با وجود این، خشونت پدیده‌ای بسیار پیچیده است و به لحاظ فرهنگی تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی انجام می‌شود. بنابراین با توجه به گستردگی معنایی، روش‌های مختلفی نیز برای تعریف خشونت وجود دارد. از نظر سازمان بهداشت جهانی خشونت یعنی «استفاده عمدی از قدرت و نیروی فیزیکی به صورت تهدید یا اعمال واقعی آن علیه خود فرد، فرد دیگر یا علیه یک گروه یا اجتماع است، به طوری که موجب آسیب، صدمه، مرگ، آسیب روانی و محرومیت

<sup>۱</sup> - Boshman, B. J

<sup>۲</sup> -Anderson, C.A

شود» (معتمدی مهر، ۱۳۸۰: ۱۸).

### انواع خشونت علیه زنان در خانواده

۱) **خشونت‌های بدنی (جسمی):** خشونت‌های جسمانی علیه زنان ممکن است به شیوه‌های گوناگونی انجام شود: مانند کتک زدن، شکنجه و قتل. این نوع خشونت به هرگونه رفتار غیر اجتماعی که جسم زن را مورد آزار قرار می‌دهد اطلاق شود. پیامد خشونت جسمی می‌تواند شکستگی اعضا، پارگی زخم‌ها، بریدگی‌ها، کبودی‌ها، جراحات داخلی، ضربه مغزی، عدم توانایی در وضع حمل، سقط جنین، بیماری‌های جنسی، حاملگی‌های ناخواسته و... باشد (کار، ۱۳۷۹: ۲۹۲).

۲) **خشونت‌های اجتماعی:** در این خشونت زن تحت کنترل شدید مرد قرار دارد و او را در انزوای اجتماعی قرار می‌دهد: مانند ممانعت از روابط اجتماعی مخصوصاً با اعضای خانواده یا دوستان، محبوس کردن زن و... در خانه و جلوگیری از برقراری هر گونه رابطه اجتماعی (کار، ۱۳۷۹: ۳۱۰).

۳) **خشونت روانی (عاطفی):** رفتار خشونت آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار می‌کند. این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، بد دهانی، تمسخر، توهین، فحاشی، متلک گویی، تهدیدهای مداوم به طلاق یا ازدواج مجدد اعمال می

شود که به سختی قابل بررسی و اندازه گیری است و در بسیاری از موارد تأثیر بیشتری از خشونت جسمی دارد. این نوع خشونت باعث مشکلات زیادی برای خانواده، به خصوص زنان می‌شود. مسایلی همانند گریز از مشارکت در امور اجتماعی، از کار افتادگی ادراکی، انواع افسردگی‌ها، عدم کفایت زنان در مدیریت خانواده، از بین رفتن اعتماد به نفس، بازسازی رفتار خشونت آمیز در

کودکان، عدم کارایی زن در محیط کار، از بین رفتن استعداد بالقوه، از بین رفتن اعتبار اجتماعی و خانوادگی و خودکشی می‌تواند از نتایج خشونت روانی باشد (کار، ۱۳۷۹: ۳۵۳).

**۴) خشونت جنسی:** خشونت جنسی به هر گونه رفتار غیر اجتماعی از لمس کردن تا تجاوز اطلاق می‌شود. این نوع خشونت ممکن است در حیطه زندگی خصوصی، زناشویی و خانوادگی اتفاق بیفتد و به صورت الزام به تمکین از شوهر یا رابطه محارم با یکدیگر در حلقه خویشاوندی علیه زن اعمال گردد.

**۵) خشونت اقتصادی (مالی):** در بسیاری از نقاط جهان، زنان نیروی کار بی-دستمزد هستند و باید تا آخر عمر از خانواده خود مراقبت کنند بدون آن که امنیت اقتصادی داشته باشند. آنان به منابع اقتصادی دسترسی ندارند و به همین دلیل تا آخر عمر به مرد خانواده و یا افراد ذکور وابسته می‌مانند. در خانواده‌های فقیر زنان برای دسترسی به پول با محدودیت‌های زیادی مواجه هستند، خصوصاً وقتی که مرد اولویت‌های دیگری خارج از قلمرو منزل و خانواده برای خود قایل می‌شود.

تحقیق و مطالعه در زمینه پدیده خشونت علیه زنان از این نظر دارای اهمیت و ضرورت است که آثار و نتایج نامطلوبی بر فرد قربانی خشونت، بر فرد عامل خشونت، کودکان و جامعه به بار می‌آورد که در زیر به چند مورد از پیامدهای زیان بار خشونت علیه زنان اشاره می‌شود:

زنان در خانواده‌های دارای خشونت درجه بالاتری از افسردگی و پرخاشگری را دارند (اشلمن<sup>۱</sup>، 1991، : 507). کودکانی که در خانواده مورد خشونت قرار می‌گیرند، در مدرسه پیشرفت چندانی از خود نشان نمی‌دهند و همچنین به

۱. Eshleman, J.R

طور مشخصی از نظر رشد و تکامل اجتماعی از سایرین عقب ترند. از علایم وجود خشونت در خانواده، اشکالات تکلمی، به خصوص لکنت زبان است. این کودکان رفتارهای عصبی دارند و در روابط خود دارای رفتاری برانگیزاننده یا رفتاری همراه با اطاعت و فروتنی بیش از حد هستند. علایم افسردگی نیز در آن-ها دیده می‌شود. به علاوه این کودکان با دیگران رفتاری پرخاشگرانه دارند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۸). بچه‌هایی که شاهد پدر و مادری بد رفتار هستند، ممکن است نسبت به نوع مشکلات رفتاری و احساسی شامل پریشانی، روان تنی و پرخاشگری آسیب پذیر باشند. در نتیجه بچه‌هایی که خشونت والدینی را دیده‌اند به طور چشمگیری مضطرب تر از کسانی هستند که روابط رضایت بخش پدر و مادر را دیده‌اند (اشلمن، ۱۹۹۱، ۵۰۶).

طی سال‌های گذشته پژوهش‌های مختلفی در زمینه خشونت علیه زنان انجام شده است که هر پژوهش از جنبه‌هایی به این مسئله پرداخته است. بنابراین برای استفاده مناسب از نتایج و یافته‌های برخی از پژوهش‌های انجام شده آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

درویش پور استاد دانشگاه در سوئیس در تحقیقاتی که در مورد خشونت علیه زنان انجام داده است به نتایج زیر دست یافته است: تفاوت‌های فرهنگی از دلایل بروز خشونت در خانواده است. در طبقات کم درآمد اجتماع و برخی از گروه‌های قومی، هنجارهای فرهنگی وجود دارد که اعمال خشونت را تسهیل و حتی مشروع می‌کند، به عبارت دیگر خرده فرهنگ حاکم بر این گروه‌ها نسبت به فرهنگ حاکم در جامعه مدرن مردانه‌تر و به گونه‌ای است که حتی واکنش خشونت آمیز نسبت به جزئی‌ترین مسائل را نیز توجیه می‌کند. به نظر وی خشونت در میان طبقات اجتماعی پایین یا برخی از گروه‌های قومی از آن رو

بیشتر است که زنان این گروه‌ها کم‌ترین منابع قدرت عینی و ذهنی را برای مقابله با سلطه طلبی شوهرانشان در اختیار دارند. هر چه فرهنگ و روابط مردسالارانه در جامعه و در خانواده ضعیف‌تر باشد، خطر توسل به خشونت کاهش می‌یابد. علاوه بر عوامل فردی، شرایط اجتماعی افراد در افزایش یا کاهش اعمال خشونت موثر است. برای مثال فشارهای روانی و تنش‌های حاصل از آن یا بحران‌های اقتصادی اجتماعی خطر بروز خشونت را در خانواده افزایش می‌دهد. علاوه بر این، طرز تلقی‌ها و توقع آنان از یکدیگر نیز نقش مهمی در بروز خشونت و تداوم آن دارد و در خانواده‌هایی که تلقی پدرسالارانه وجود دارد و اعمال خشونت مرد مشروع انگاشته می‌شود احتمال بروز خشونت بیشتر می‌شود (درویش پور، ۱۳۷۸: ۵۵).

فتاحی مفرح (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان «خشونت نسبت به زنان در شهر تهران»، رابطه معنی‌داری بین تحصیلات مردان و نیز خشونت نسبت به زنان اعلام کرده است، در حالی که در مورد اشتغال زنان در این تحقیق هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری بین اشتغال زنان و خشونت علیه آنان وجود نداشته است. همچنین در مورد بعد خانوار و خشونت علیه زنان نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد یعنی هر چه بعد خانوار بیشتر باشد، خانواده بیشتر درگیر مسائل و مشکلات ناشی از افزایش جمعیت می‌شود و بیشتر دچار کشمکش و درگیری می‌گردد که این امر زمینه بروز اختلاف و خشونت را افزایش می‌دهد. اما زنانی که پایگاه اجتماعی، اقتصادی پایینی دارند غالباً خود را متحمل زندگی خشونت بار می‌دانند زیرا پشتوانه مالی کمتری دارند و در صورت اعتراض و درنهایت جدایی از همسر، آینده بدتری را در انتظار خود می‌بینند، لذا ترجیح می‌دهند در زندگی خود بسوزند و بسازند. در این تحقیق شواهد حاکی از آن است که ۱۱۰ خانواده‌ای که

در آن‌ها میزان خشونت نسبت به زن‌ها زیاد است در ۵۶ خانواده اقتدار مرد خانواده در حد زیاد بوده و هر چقدر میزان اقتدار مرد زیاد باشد میزان خشونت هم زیاد خواهد شد.

شهنی بیلاق تحقیقی با عنوان «رابطه برخی از عوامل جمعیت شناختی با خشونت مردان نسبت به همسران خود در شهرستان اهواز» در سال ۷۶ انجام داده است. در این تحقیق به تئوری‌های خشونت اشاره شده و از طریق نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله ای ۱۵۵ زن از طریق پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفتند که در پایان به نتایج زیر دست یافت: حدود ۱۸/۳٪ زنان نمونه پژوهش گزارش کردند که همسران آنان هیچگونه خشونتی در طول زندگی زناشویی از خود نشان نداده‌اند و ۱۳/۱٪ یک بار ۱۸/۳٪ دوبار، ۱۱/۸٪ سه بار و ۶/۵٪ چهار بار مورد خشونت قرار گرفته‌اند. جمعاً ۸۱/۷٪ از زنان حداقل یکبار توسط همسران خود مورد خشونت قرار گرفته‌اند و در کل ۸۳٪ زنان حداقل یک بار توسط همسران خود مورد خشونت روان شناختی قرار گرفته‌اند. در این تحقیق بین سن زن و مرد و شغل آن‌ها با خشونت جسمی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین افزایش تعداد فرزندان در این تحقیق منجر به خشونت بیشتر می‌شود زیرا که ازدیاد فرزندان باعث افزایش فشار روانی شده و در نهایت به خشونت بیشتری منجر می‌شود. در پایان می‌توان از این یافته‌ها چنین نتیجه گرفت که وقتی زن از زندگی خود راضی باشد، خود و همسرش تحصیل کرده باشند و تعداد فرزندان کمتری داشته باشند خشونت کمتری از جانب مرد زندگی آن‌ها را تهدید می‌کند (شهنی بیلاق، ۱۳۷۶).

همتی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان: مطالعه موردی خانواده‌های تهرانی» به بررسی عوامل مؤثر بر خشونت علیه



زنان پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داد که از بین متغیرهای مستقل رضایت اجتماعی، عزت نفس و پایگاه اقتصادی و اجتماعی رابطه مستقیمی با خشونت کلی (فیزیکی و عاطفی) دارد و سایر متغیرها (اعتقاد به پدرسالاری، گرایش به همسر آزاری، جامعه پذیری خشن) رابطه غیر مستقیمی را با خشونت کلی نشان می‌دهند. ضرایب همبستگی متغیرها نشان می‌دهد که بین سن ازدواج زنان و خشونت رابطه منفی معنی داری وجود دارد. به عبارت روشن‌تر هر چه سن ازدواج زنان بالا رود، احتمال تجربه خشونت در میان آن‌ها کمتر است. میزان تحصیلات زنان و مردان رابطه منفی معنی داری با خشونت علیه زنان دارد. همچنین بین اختلاف سنی زوجین و خشونت علیه زنان رابطه منفی وجود دارد.

ریحان صفت (۱۳۸۲) در پژوهش خود با عنوان بررسی عوامل مرتبط با خشونت شوهران علیه زنان در خانواده در مراجعین به دادگاه خانواده شهر تهران، نتایج زیر را بدست آورد: براساس نتایج این تحقیق، ۶۶ درصد از زنان، خشونت اعمال شده از سوی همسرانشان را در حد زیاد بیان کردند. شایع‌ترین نوع خشونت، خشونت روانی بود که ۸۴ درصد زنان متحمل آن بودند. این مطالعه نشان داد که بین مشاهده خشونت توسط مرد در خانواده پدری همچنین دخالت خویشاوندان مرد در زندگی زوجین با خشونت شوهران علیه زنان در خانواده رابطه معنی داری وجود دارد.

الهوردیان (۱۳۸۴) نیز در پژوهش خود با عنوان بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر خشونت علیه زنان در شهر نقدة، نتایج زیر را بدست آورد: میزان خشونت علیه زنان ۳۲ درصد است و عوامل موثر بر آن عبارتند از: سن ازدواج زن، اختلاف سنی زوجین، بعد خانوار، تحصیلات زوجین، درآمد خانوار، نوع شغل شوهر، توزیع نامتقارن قدرت، تجربه و مشاهده خشونت در

خانواده پدری شوهر، اعتقاد به پدر سالاری، اعتقادات مذهبی زوجین و اختلاف زوجین در پایبندی به آداب و رسوم. همچنین متغیرهای تجربه و مشاهده خشونت در خانواده پدری شوهر و اعتقاد مرد به پدرسالاری بیشترین و متغیر اختلاف زوجین در پایبندی به آداب و رسوم کمترین سهم را در تبیین متغیر وابسته ایفا کرده است.

دهقانی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده، این نتایج را به دست آورد: از عوامل موثر بر خشونت شوهران علیه زنان، مشارکت علمی زوجین بیشترین تأثیر و درآمد شوهر کمترین تأثیر را داشته است.

مارابی (۱۳۸۴)، در تحقیق خود به بررسی و شناخت عوامل خانوادگی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهرستان کامیاران پرداخته است. نتایج حاصل نشان داد که بین متغیرهای تجربه خشونت، پذیرش خشونت، یادگیری خشونت، پدرسالاری، آشفتگی خانواده، سن زنان، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، شغل زوجین، شیوه انتخاب همسر، عکس العمل زنان در مقابل خشونت، شیوه‌های حل اختلاف با همسر و مرزهای بین اعضای خانواده رابطه معنی‌دار مشاهده شده است. اما بین شهری و روستایی بودن با میزان خشونت علیه زنان تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد. این نتایج همچنین نشان داده است که اکثر زنان نمونه آماری از طرف شوهرانشان مورد شدیدترین انواع خشونت قرار گرفته‌اند که خشونت جسمی به میزان ۹۵/۳ درصد، خشونت روانی ۱۰۰ درصد، خشونت اقتصادی ۸۱/۶ درصد و خشونت جنسی به میزان ۹۵/۳ درصد بوده است.

در این پژوهش سعی شده تا رابطه میان عوامل فرهنگی و خشونت علیه زنان در شهرستان قروه بررسی شود و با استفاده از روش‌های آماری تحلیل رگرسیون

چند متغیره و تحلیل مسیر عوامل مرتبط با خشونت علیه زنان در ابعاد فرهنگی مشخص و راهکارهایی برای کاهش خشونت علیه زنان ارائه شود.

### روش

به دلیل این که هدف از انجام این تحقیق، توصیف شرایط و وضعیت پدیده‌های مورد نظر «عوامل فرهنگی و خشونت»، است و محقق سعی می‌کند آن‌چه را که هست بدون دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش کند، از روش تحقیق توصیفی - همبستگی استفاده شده است. همچنین این پژوهش از نوع پژوهش‌های مقطعی و از نوع پهنانگر می‌باشد. جامعه آماری این طرح کلیه زنان متأهل شهرستان قروه می‌باشد که بر اساس برآوردهای سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور سال ۱۳۸۷ به تعداد ۶۵۲۲۵ نفر زن متأهل می‌باشد. نمونه آماری از بین خانواده‌های

شهرستان قروه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه  $n = \frac{N(t)^2 pq}{Nd^2 + (t)^2 pq}$  به تعداد ۶۲۵ نفر زن متأهل می‌باشند. کاربردی‌ترین روش نمونه‌گیری برای تحقیق حاضر عبارت است از:

در مرحله اول شهرستان قروه با توجه به قومیت ساکنان به دو منطقه جغرافیایی ترک نشین و کرد نشین تقسیم شده و از میان آنها تعداد حجم نمونه به صورت بهینه انتخاب شد.

جدول (۱) توزیع نمونه‌گیری بر حسب تعلق به قومیت

درصد نمونه	حجم نمونه	تعداد زنان متأهل	تعلق به تعداد قومیت
۷۰.۸۰	۴۴۶	۴۶۲۰۰	کرد
۲۹.۲۰	۱۸۴	۱۹۰۲۵	ترک
۱۰۰	۶۳۰	۶۵۲۲۵	جمع

در مرحله دوم از مراحل نمونه‌گیری بعد از محدود نمودن نمونه به سه منطقه ، هر منطقه جغرافیایی به سه محله ( بالا ، متوسط و پایین ) تقسیم شد. در مرحله سوم پس از انتخاب حجم نمونه بر حسب محلات ( بالا ، متوسط و پایین ) ، محلات فوق هر کدام به بلوک‌های دهگانه تقسیم شده و به طور تصادفی از دو بلوک حجم نمونه به طریقه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شده است. بدین صورت که نفر اول نمونه به صورت تصادفی از هر بلوک انتخاب و نفرات بعدی بر اساس  $\frac{N}{n}$  تعیین شده‌اند. پس از طی مراحل فوق از زنان متاهل منتخب اطلاعات گرد آوری شده است.

برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسش نامه استفاده شده است. بدین شیوه که پرسشنامه ای برای گرفتن پاسخ‌های لازم از زنان خانواده‌های شهرستان قروه طراحی شد. این پرسشنامه برای این که اطلاعات از اعتبار کافی برخوردار باشد و همچنین برای اجتناب از بروز مشکل در تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت سئوالات بسته پاسخ طرح شد. سئوالات طراحی شده برای پرسشنامه مقدماتی برای متغیرهای اصلی متشکل از ۷۹ گویه بود که بعد از بازبینی توسط اساتید، متخصصین و ارایه آن به دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد ، گویه‌های دارای ابهام کنار گذاشته شد. بنابراین در پرسشنامه نهایی گویه‌های مرتبط با متغیرهای اصلی به تعداد ۴۹ گویه تقلیل یافت. پایایی آن با استفاده از آلفای کراباخ ۰.۸۷ بدست آمده است.

#### یافته‌ها

اعتقاد مرد به پدر سالاری از دیدگاه زن :

دیدگاه پدر سالاری در حدود ۴۷/۵۷ درصد از شوهران وجود دارد و بالاترین

درجه، در اجازه کار دادن در بیرون از منزل می باشد. بررسی تطبیقی اعتقاد مرد به پدر سالاری به تفکیک قومیت، اختلاف سنی و تحصیلات زوجین بیانگر آن است که: الف- میانگین امتیازات اعتقاد مرد به پدر سالاری در قوم کرد بیشتر از قوم ترک است. ب- میانگین امتیازات اعتقاد مرد به پدر سالاری در خانواده‌های دارای زنان بی‌سواد و تحصیلات ابتدایی بیشتر از خانواده‌هایی است که زنان در آن دارای تحصیلات متوسطه و بالا هستند. ج- اعتقاد مرد به پدرسالاری در زوجین با اختلاف سنین بالای ۹ سال بیشتر از سایر گروه‌ها است. د- میانگین امتیازات اعتقاد مرد به پدر سالاری در مردان دارای تحصیلات ابتدایی بیشتر از مردان با تحصیلات متوسطه و بالا است.

جدول ۲: تحلیل همبستگی پیرسون بین متغیرهای خشونت علیه زنان و عوامل فرهنگی خانواده

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی	اعتقادات مذهبی زوجین	اعتقاد مرد به پدر سالاری از دید زن	اختلاف زوجین در پابندی به آداب و رسوم
خشونت اقتصادی	ضریب همبستگی سطح معنی داری تعداد مشاهدات	۰/۱۶۳** ۰/۰۰۴ ۶۱۴	۰/۴۶۵** ۰/۰۰۰ ۶۳۲	۰/۲۷۶** ۰/۰۰۰ ۶۳۲	
خشونت اجتماعی	ضریب همبستگی سطح معنی داری تعداد مشاهدات	۰/۲۰۶** ۰/۰۰۰ ۶۱۶	۰/۴۳۱** ۰/۰۰۰ ۶۳۴	۰/۳۷۷** ۰/۰۰۰ ۶۲۸	
خشونت روانی	ضریب همبستگی سطح معنی داری تعداد مشاهدات	۰/۳۷۶** ۰/۰۰۰ ۶۱۶	۰/۳۲۰** ۰/۰۰۰ ۶۳۴	۰/۲۲۴** ۰/۰۰۰ ۶۲۸	
خشونت فیزیکی	ضریب همبستگی سطح معنی داری تعداد مشاهدات	۰/۲۱۹** ۰/۰۰۰ ۶۱۸	۰/۳۸۳** ۰/۰۰۰ ۶۳۶	۰/۳۸۷** ۰/۰۰۰ ۶۳۰	

۰/۶۵۲**	۰/۵۲۳**	-۰/۳۱۸**	ضریب همبستگی	خشونت علیه زنان
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی داری	
۶۳۰	۶۳۰	۶۳۰	تعداد مشاهدات	

### پای بندی زوجین به آداب و رسوم

نتایج به دست آمده از تحلیل توصیفی متغیر فوق نشان می‌دهد که اولاً در ۶۰/۲ درصد از زوجین، شوهرها به اجرای مراسم ازدواج بر اساس آداب و رسوم اصرار داشته‌اند در حالی که همین مورد در زنان ۶۸/۸ درصد بوده است. ثانیاً ۶۶/۲ درصد از زوجین، شوهرها به اجرای مراسم عزاداری (تعزیه) عزیزان بر اساس آداب و رسوم اصرار داشته‌اند در حالی که همین مورد در زنان ۷۳/۴ درصد بوده است. ثالثاً ۶۵/۳ درصد از شوهران علاقه داشتند مراسم پذیرایی از مهمان بر اساس آداب و رسوم انجام شود و همین گویه برای زنان ۶۶/۶ درصد بوده است. بر طبق جدول ۲ در پای بندی به آداب و رسوم، زنان ۶ درصد با مردان اختلاف دارند، یعنی زنان بیشتر از شوهرانشان به اجرای دقیق آداب و رسوم پای بند و در حقیقت سنت گرا هستند.

### اعتقادات مذهبی زوجین

بررسی تطبیقی میانگین امتیازات بر حسب تعلق به قومیت بیانگر آن است که میانگین امتیازات قوم ترک با ۲/۱۷ امتیاز کمتر از میانگین امتیازات قوم کرد با ۲/۸۴ امتیاز می‌باشد، به عبارت دیگر زوجین متعلق به قوم ترک معتقدتر از زوجین متعلق به قوم کرد هستند.

### قومیت پاسخگویان

با توجه به این که جامعه آماری مورد بررسی، شامل از دو قومیت ترک و کرد

است، نتایج حاصل از تحلیل توصیفی به این صورت می‌باشد: از تعداد ۶۴۰ پاسخگو ۶۷/۱۸ درصد کرد و ۳۲/۸۲ درصد ترک بودند که با اندازه واقعی جامعه آماری همخوانی دارد.

#### نتایج تحلیل دو متغیره و روابط بین متغیرها

##### خشونت علیه زنان و اعتقاد مرد به پدر سالاری از دید زن

به نظر فمینیست‌ها، ایدئولوژی پدرسالارانه از عوامل اساسی مؤثر بر خشونت علیه زنان است. به همین خاطر فرضیه اعتقاد مرد به پدر سالاری و خشونت علیه زنان در جامعه آماری به اجرا گذاشته شد. برطبق آزمون معنی‌داری  $r$  پیرسون نتایج زیر بدست آمد: خشونت علیه زنان در ابعاد چهارگانه (اقتصادی، اجتماعی، روانی و فیزیکی) با اعتقاد مرد به پدر سالاری همبستگی معنی‌داری دارد، یعنی هر چه اعتقاد مرد به پدر سالاری بیشتر باشد، میزان خشونت علیه زنان نیز افزایش می‌یابد. نوع رابطه خطی و مستقیم است، یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد و برعکس.

##### پای بندی زوجین به آداب و رسوم و خشونت علیه زنان

هدف از طرح فرضیه فوق این بود که آیا اختلاف زوجین در پای‌بندی به آداب و رسوم در خشونت علیه زنان تأثیر می‌گذارد یا نه؟ بر طبق آزمون معنی‌داری  $r$  پیرسون نتایج زیر بدست آمد. بین اختلاف زوجین در پای‌بندی به آداب و رسوم و خشونت علیه زنان همبستگی معنی‌داری وجود دارد. نوع رابطه خطی و مستقیم است، بدین معنی که هر چه اختلاف زوجین در پای‌بندی به آداب و رسوم بیشتر باشد به همان میزان خشونت علیه زنان نیز افزایش می‌یابد.

**خشونت علیه زنان و اعتقادات مذهبی زوجین**

برای آزمون این فرضیه که "بین اعتقادات مذهبی زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد" از ضریب همبستگی  $r$  پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون معنی‌داری  $r$  پیرسون نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد. نوع رابطه منفی است یعنی هر چه میزان اعتقادات مذهبی زوجین افزایش می‌یابد از میزان خشونت علیه زنان کاسته می‌شود و بر عکس. همچنین بین اعتقادات مذهبی زوجین و ابعاد چهارگانه خشونت علیه زنان ( اقتصادی، اجتماعی، روانی و فیزیکی) رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد، یعنی هر چه اعتقادات مذهبی پایین باشد میزان خشونت علیه زنان در هر یک از ابعاد چهارگانه خشونت افزایش می‌یابد و برعکس.

**خشونت علیه زنان و تعلق به قومیت**

خشونت علیه زنان و تعلق به قومیت آخرین فرضیه‌ای بود که در تحقیق حاضر به آزمون گذاشته شد.



جدول ۳: آزمون تفاوت میانگین ( $t$  مستقل) برای متغیرهای خشونت علیه زنان و

تعلق به قومیت

میانگین خشونت	تعلق به قومیت	sig	آماره $t$	تفاوت میانگین	
۰/۴۸۹۴	ترک	۰/۰۵۶	-۱/۹۲۰	با فرض برابری واریانس	خشونت اقتصادی
۰/۵۸۵۰	کرد	۰/۰۷۷	-۱/۷۷۸	با فرض نابرابری واریانس	خشونت اقتصادی
۰/۳۳۹۲	ترک	۰/۰۰۴	-۲/۹۲۲	با فرض برابری واریانس	خشونت اجتماعی
۰/۴۷۸۴	کرد	۰/۰۰۶	-۲/۷۹۶	با فرض نابرابری واریانس	خشونت اجتماعی
۰/۵۱۴۲	ترک	۰/۷۴۵	-۰/۳۲۶	با فرض برابری واریانس	خشونت روانی
۰/۵۳۳۲	کرد	۰/۷۳۳	-۰/۳۴۲	با فرض نابرابری واریانس	خشونت روانی
۰/۳۳۰۲	ترک	۰/۵۹۶	۰/۵۳۱	با فرض برابری واریانس	خشونت فیزیکی
۰/۳۰۱۰	کرد	۰/۵۹۴	۰/۵۳۴	با فرض نابرابری واریانس	خشونت فیزیکی
۰/۴۱۹۸	ترک	۰/۱۳۷	۱/۴۹۲	با فرض برابری واریانس	خشونت علیه زنان
۰/۴۸۲۰	کرد	۰/۱۶۲	۱/۴۰۵	با فرض نابرابری واریانس	خشونت علیه زنان

نتایج به دست آمده از آزمون تفاوت میانگین ( $T-test$ ) نشان می‌دهد که سطح معنی‌دار محاسبه شده بیشتر از آلفای تحقیق می‌باشد، پس فرضیه فوق رد می‌شود. همچنین در ابعاد مختلف خشونت علیه زنان تفاوت محسوسی در میانگین خشونت وجود نداشت. متوسط خشونت علیه زنان در بعد خشونت اقتصادی و اجتماعی در میان قوم کرد اندکی بیش از قوم ترک می‌باشد و متوسط خشونت فیزیکی و روانی در میان قوم ترک اندکی بیش از قوم کرد می‌باشد. در کل میانگین خشونت علیه زنان در میان دو قوم با اندکی تفاوت تقریباً با همدیگر برابر است.

#### برازش مدل تحلیل رگرسیون چند متغیره

هدف از کاربرد تحلیل رگرسیون چند متغیره، پیش بینی و تبیین تغییرات و

واریانس متغیر ملاک (وابسته) از طریق متغیرهای پیش بین (مستقل) است، به عبارت دیگر تغییر در متغیر وابسته معمولاً نتیجه اثرات متغیرهای ملاک متعددی است که همزمان عمل می‌کنند. در این پژوهش نیز خشونت علیه زنان از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد، هر یک از این متغیرهای پیش بین، عاملی برای برآورد جنبه‌های متفاوتی از متغیر ملاک به شمار می‌رود. می‌توان انتظار داشت که هر یک از عوامل یا متغیرها، سهمی در شکل‌گیری خشونت علیه زنان دارند.

برای پردازش مدل‌های تبیین‌کننده خشونت علیه زنان، پنج نوع مدل رگرسیونی به روش گام به گام اجرا شده است:

مدل برازش عوامل تبیین‌کننده خشونت اقتصادی علیه زنان - مدل برازش عوامل تبیین‌کننده خشونت اجتماعی علیه زنان - مدل برازش عوامل تبیین‌کننده خشونت روانی علیه زنان - مدل برازش عوامل تبیین‌کننده خشونت فیزیکی علیه زنان و مدل برازش عوامل تبیین‌کننده خشونت علیه زنان.

#### مدل برازش عوامل تبیین‌کننده خشونت اقتصادی علیه زنان

جدول ۴: شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره‌ای "خشونت

##### اقتصادی علیه زنان"

۰/۵۶۰	ضریب همبستگی چند گانه ( <i>Mutiple R</i> )
۰/۳۱۳	ضریب تبیین ( <i>R Square</i> )
۰/۳۰۲	ضریب تبیین تصحیح شده ( <i>Adjusted R Square</i> )

نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره برای تبیین خشونت اقتصادی علیه زنان نشان می‌دهد که از میان پنج متغیر وارد شده بر مدل برازش رگرسیونی متغیر اعتقاد مرد به پدر سالاری در مدل نهایی باقی ماند و دو متغیر اختلاف زوجین در

پایبندی به آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی زوجین از مدل خارج شدند. متغیرهای خارج شده تأثیر معنی‌داری در تبیین واریانس متغیر “ خشونت اقتصادی علیه زنان ” ندارند اما متغیری که در مدل نهایی حذف نشده است تقریباً ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برابر  $R= ۰/۵۶۰$  مجذور آن یعنی ضریب تبیین  $R^2=۰/۳۱۳$  می‌باشد. بنابراین متغیر اعتقاد مرد به پدرسالاری به طور خالص ۰/۳۱ از واریانس خشونت اقتصادی علیه زنان را در معادله تبیین می‌کند و بقیه واریانس‌ها از سوی عوامل خارجی و ناشناخته که در این تحقیق نیامده است قابل تبیین است. در مدل اول مهمترین عاملی که تأثیر آن تعیین کننده‌تر از سایر عامل‌ها است “ اعتقاد به پدر سالاری ” در میان شوهران است.

جدول (۵) تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره “ خشونت اقتصادی علیه زنان ”

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۲۷/۱۲۶	۳/۲۷۹	۵	۱۶/۳۹۴	رگرسیون
		۰/۱۲۱	۵۹۴	۳۵/۸۹۹	باقیمانده
			۶۰۴	۵۲/۲۹۲	کل

جدول (۶) آماره‌های متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی شده‌اند

نام متغیرها	B	Std.B	Beta	t	Sig	Partial correlations
عرض از مبدا	-۰/۵۳۷	۰/۱۴۶	---	-۳/۶۶۸	۰/۰۰۰	---
اعتقاد مرد به پدر سالاری	۰/۳۱۱	۰/۰۵۵	۰/۳۰۷	-۱/۱۰۶	۰/۰۰۰	۰/۳۰۹

جدول (۷) آماره‌های متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی نشده‌اند

نام متغیرها	B	Std.B	Beta	t	Sig	Partial correlations
اختلاف زوجین در پای‌بندی به آداب و رسوم	۰/۰۴۰	۰/۰۴	۰/۰۵۴	۱/۱۰۶	۰/۲۷	۰/۱۰۱
اعتقادات مذهبی زوجین	۰/۰۱۳	۰/۰۱۶	۰/۰۴۱	۰/۷۹۴	۰/۰۷۹	۰/۰۹۸

## مدل برازش رگرسیونی عوامل نبیین کننده خشونت اجتماعی علیه زنان

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام حاکی از آن است که از بین متغیرهای اعتقاد مرد به پدرسالاری، اختلاف زوجین در پای‌بندی به آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی زوجین فقط متغیر اختلاف زوجین در پای‌بندی به آداب و رسوم از مدل نهایی برازش حذف شد و سایر متغیرهای مطرح شده در مدل نهایی باقی‌ماندند. متغیرهای مستقل وارد شده در مدل به میزان ۲۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی خشونت اجتماعی علیه زنان را تبیین می‌کنند و باقیمانده واریانس‌ها به وسیله عوامل ناشناخته که در این تحقیق نیامده است، تبیین و پیش‌بینی می‌شوند.

جدول (۸) شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره‌ای "خشونت

## اجتماعی علیه زنان"

۰/۵۱۸	ضریب همبستگی چند گانه ( <i>Mutiple R</i> )
۰/۳۶۸	ضریب تبیین ( <i>R Square</i> )
۰/۲۵۶	ضریب تبیین تصحیح شده ( <i>Adjusted R Square</i> )

جدول (۹) تحلیل واریانس چند متغیره " خشونت اجتماعی علیه زنان "

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig
رگرسیون	۱۳/۵۱۱	۵	۲/۷۰۲	۲۱/۸۲۳	۰/۰۰۰
باقیمانده	۳۶/۸۹۹	۵۹۶	۰/۱۲۴		
کل	۵۰/۴۰۹	۶۰۶			

جدول (۱۰) آماره‌های متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی شده‌اند

نام متغیرها	B	Std.B	Beta	t	Sig	Partial correlations
عرض از مبدا	-۰/۶۳۴	۰/۱۴۸	---	-۴/۲۷۹	۰/۰۰۰	---
اعتقاد مرد به پدر سالاری	۰/۳۲۰	۰/۰۵۶	۰/۳۲۱	۵/۷۱۳	۰/۰۰۰	۰/۳۰۹
اعتقادات مذهبی زوجین	۰/۰۳۶	۰/۰۳۶	۰/۱۱۲	۲/۵۳۱	۰/۰۳۱	۰/۱۱۳

جدول (۱۱) آماره‌های متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی نشده‌اند

نام متغیرها	Beta	T	Sig	Partial correlations
اختلاف زوجین در پایبندی به آداب و رسوم	۰/۵۴	-۱/۳۳۱	۰/۱۸۴	-۰/۰۷۷

#### مدل برازش رگرسیونی تبیین کننده خشونت روانی علیه زنان

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام بیانگر آن است که از میان متغیرهای مستقل هیچ کدام از مدل خارج نشدند و این متغیرها در کل ۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی خشونت روانی علیه زنان را تبیین و پیش‌بینی می‌کند. بقیه واریانس‌ها به عوامل دیگری مربوط است که در این تحقیق آورده نشده است.

جدول (۱۲) شاخص‌ها و آمارهای تحلیل رگرسیونی چند متغیره‌ای “خشونت روانی علیه زنان”

۰/۵۰۶	ضریب همبستگی چند گانه ( <i>Mutiple R</i> )
۰/۲۵۶	ضریب تبیین ( <i>R Square</i> )
۰/۳۶۵	ضریب تبیین تصحیح شده ( <i>Adjusted R Square</i> )

جدول (۱۳) تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره “خشونت روانی علیه زنان”

<i>Sig</i>	<i>F</i>	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۲۰/۵۴۵	۳/۸۱۴	۵	۱۹/۰۶۹	رگرسیون
		۰/۱۸۶	۵۹۶	۵۵/۳۲۰	باقیمانده
			۶۰۶	۷۴/۳۹۰	کل

جدول (۱۴) آماره‌های متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی شده‌اند

<i>Partial correlations</i>	<i>Sig</i>	<i>t</i>	<i>Beta</i>	<i>Std.B</i>	<i>B</i>	نام متغیرها
---	۰/۰۱۷	-۲/۳۹۵	---	۰/۱۸۲	-۰/۴۳۵	عرض از مبدا
۰/۱۴۰	۰/۰۱۵	۲/۴۴۱	۰/۱۳۸	۰/۰۶۸	۰/۱۶۷	اعتقاد مرد به پدر سالاری
۰/۱۱۴	۰/۰۴۶	۱/۶۸۷	۰/۱۰۵	۰/۰۵۰	۰/۱۰۳	اختلاف زوجین در پای‌نبدی به آداب و رسوم
۰/۲۸۸	۰/۰۰۰	۵/۱۸۲	۰/۲۸۰	۰/۰۲۰	۰/۱۱۴	اعتقادات مذهبی زوجین

برآزش مدل تبیین کننده خشونت فیزیکی علیه زنان

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام بیانگر آن است که از میان متغیرهای مستقل هیچ‌کدام از مدل خارج نشده و ضریب همبستگی چندگانه برابر  $R=0/549$  و مجذور آن یعنی  $R^2$  مساوی ۳۰ می‌باشد. بنابراین این متغیرها در کل ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی خشونت فیزیکی علیه زنان را تبیین و پیش‌بینی می‌کند. بقیه واریانس‌ها به عوامل دیگری مربوط است که در این تحقیق آورده نشده است.

جدول (۱۵) شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره‌ای “خشونت فیزیکی علیه زنان”

۰/۵۴۹	ضریب همبستگی چند گانه ( <i>Mutiple R</i> )
۰/۳۰۱	ضریب تبیین ( <i>R Square</i> )
۰/۲۹۰	ضریب تبیین تصحیح شده ( <i>Adjusted R Square</i> )

جدول (۱۶) تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره “خشونت فیزیکی علیه زنان”

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig
رگرسیون	۱۹/۶۰۹	۵	۳/۹۲۲	۲۵/۷۸۳	۰/۰۰۰
باقیمانده	۴۵/۴۸۱	۵۹۸	۰/۱۵۲		
کل	۶۵/۰۹۰	۶۰۸			

جدول (۱۷) آماره‌های متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی شده‌اند

نام متغیرها	B	Std.B	Beta	t	Sig	Partial correlations
عرض از مبدا	-۰/۵۹۷	۰/۱۶۴	--	-۳/۶۴۵	۰/۰۰۰	--
اعتقاد مرد به پدر سالاری	۰/۱۸۸	۰/۰۶۲	۰/۱۶۷	۰/۰۳۹	۰/۰۰۳	۰/۱۷۳
اختلاف زوجین در پای-بندی به آداب و رسوم	۰/۱۰۴۵	۰/۰۰۴۵	۰/۰۴۹	۲/۰۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۵۸
اعتقادات مذهبی زوجین	۰/۱۰۳	۰/۰۲۵	۰/۱۱۱	۲/۹۳۹	۰/۰۴۳	۰/۱۱۱

مقایسه چهار مدل رگرسیونی فوق و نتایج آن‌ها برای مدل‌های برازش شده رگرسیونی اول تا چهارم نشان می‌دهد که در این پژوهش میزان تغییرات خشونت اقتصادی و اجتماعی بیشتر از میزان تغییرات خشونت روانی و فیزیکی است که تحت پوشش متغیرهای مستقل وارده شده بر مدل برازش قرار گرفته‌اند

زیرا در مدل اول و دوم دو متغیر از مدل خارج شدند ولی در مدل سوم و چهارم هیچ کدام از متغیرها از مدل خارج نشده‌اند.

**برازش مدل تبیین کننده خشونت علیه زنان (اقتصادی، اجتماعی، روانی و فیزیکی)**  
 برای برازش مدل مذکور کلیه متغیرهای پژوهشی (اعتقاد مرد به پدر سالاری، اختلاف زوجین در پای بندی به آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی زوجین) که در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده بودند به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله شدند. در این مدل از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد به این صورت که ابتدا متغیری که دارای بیشتر ضریب رگرسیونی و کمترین  $P$ -value را داشته باشد، برای مدل اول انتخاب می‌شود و در گام‌های بعدی سایر متغیرها به ترتیب اهمیت، وارد مدل رگرسیونی خواهند شد. اگر در این مدل تمامی متغیرها دارای ضرایب رگرسیونی معنی‌دار با متغیر وابسته باشند در مدل باقی خواهند ماند، در غیر این صورت از مدل حذف می‌شوند. بدین ترتیب عمل برازش مدل رگرسیونی ادامه می‌یابد تا جایی که هیچ متغیر مستقلی را نتوان از مدل خارج کرد.

نتایج تحلیل رگرسیونی "عوامل تبیین کننده خشونت علیه زنان" نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی در مدل نهایی همه متغیرها وارد معادله رگرسیونی شدند و تقریباً ۴۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را تبیین می‌کنند. خلاصه مدل رگرسیونی چند گانه در جدول (۱۸) آورده شده است:



جدول (۱۸) شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره‌ای “خشونت علیه زنان”

۰/۶۷۱	ضریب همبستگی چند گانه ( <i>Mutiple R</i> )
۰/۴۵	ضریب تبیین ( <i>R Square</i> )
۰/۴۴۰	ضریب تبیین تصحیح شده ( <i>Adjusted R Square</i> )
۰/۲۶۰۰	اشتباه معیار ( <i>Standard Error</i> )

نتایج تحلیل واریانس برای مدل نهایی نشان می‌دهد که متغیرهای تبیین کننده به طور معنی داری قادر هستند تغییرات متغیر وابسته خشونت علیه زنان را پیش‌بینی و تبیین کنند، به عبارت دیگر مدل تبیینی *AR* تصحیح شده، معنی دار می‌باشد. از میان متغیرهای که وارد مدل شده‌اند متغیر تابع بیش از هر عامل دیگر از اعتقاد مرد به پدرسالاری تأثیر می‌پذیرد.

جدول (۱۹) تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره “خشونت علیه زنان”

<i>Sig</i>	<i>F</i>	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۴۷/۲۳۲	۳/۱۹۴	۵	۱۵/۹۷۰	رگرسیون
		۰/۰۶۸	۵۷۸	۱۹/۵۴۴	باقیمانده
			۵۹۲	۳۵/۵۱۴	کل

جدول (۲۰) آماره‌های متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی شده‌اند

<i>Partial correlations</i>	<i>Sig</i>	<i>T</i>	<i>Beta</i>	<i>Std.B</i>	<i>B</i>	نام متغیرها
--	۰/۰۰۰	-۵/۱۴۰	--	۰/۱۱۱	-۰/۵۶۹	عرض از مبدا
۰/۲۶۶	۰/۰۰۰	۶/۰۹۴	۰/۳۰۳	۰/۰۴۲	۰/۲۵۵	اعتقاد مرد به پدر سالاری
۰/۱۱۴	۰/۰۱۴	۲/۴۷۸	۰/۱۲۵	۰/۰۳۰	۰/۱۰۴	اختلاف زوجین در پای بندی به آداب و رسوم
۰/۱۶۰	۰/۰۰۰	۳/۶۷۱	-/۱۷۳	۰/۰۳۷	-۰/۴۵	اعتقادات مذهبی زوجین

### راهنمای جدول تحلیل رگرسیون چند متغیره پژوهش

ستون اول: متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی شده‌اند - ستون دوم:  $b$  نشان می‌دهد که با یک واحد تغییر در متغیر مستقل چند واحد تغییر در متغیر وابسته ایجاد می‌شود - ستون سوم: اشتباه معیار هر یک از ضرایب رگرسیونی ناقص - ستون چهارم  $B$ : سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته نشان می‌دهد - ستون پنجم:  $t$  کمیتی برای آزمون معنی‌داری ضرایب رگرسیون - ستون ششم: سطح معنی‌داری آزمون  $t$  ضرایب رگرسیونی - ستون هفتم: همبستگی پارشیال یا ضریب همبستگی تفکیکی، حذف تأثیر یک متغیر را از روی همبستگی بین دو متغیر نشان می‌دهد.

### بحث و نتیجه گیری

در این قسمت از تحقیق ابتدا به یافته‌های توصیفی تک متغیره و دو متغیره اشاره می‌شود پس از آن نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### میزان اعتقاد به پدرسالاری در میان شوهر پاسخگویان به شرح زیر است:

در اختیار داشتن اموال و دارایی منزل در دست مرد (۳/۴۲ درصد)، اجازه کار زن در بیرون از منزل (۹/۶۰ درصد)، اجازه ملاقات زن در بیرون از منزل با دوستان نزدیک (۴/۴۴ درصد) و در دست داشتن اختیارات خانواده (۸/۴۲ درصد).  
بیشترین درجه اعتقاد به پدرسالاری در اجازه دادن به زن برای کار در بیرون از منزل و پایین‌ترین درجه در مورد اختیارات منزل است. مقایسه درجه اعتقاد به پدرسالاری بر حسب قومیت نشان می‌دهد که امتیاز شوهر پاسخگویان در قوم کرد با میانگین ۲/۴۹ در روی طیف (۳-۱) بیشتر از قوم ترک با میانگین نمره ۲/۳۶ می‌باشد.

نتایج به دست آمده از متغیر پای بندی زوجین به آداب و رسوم عبارت است از : اصرار شوهر به اجرای مراسم ازدواج ۸۱/۵ درصد و اصرار زن ۹۱ درصد، اصرار شوهر به اجرای مراسم عزاداری (تعزیه) عزیزان ۸۱ درصد و اصرار زن ۹۰/۵ درصد، علاقه مندی شوهر به مراسم پذیرایی از مهمان ۸۲/۲ درصد و علاقه مندی زن ۹۱/۳ درصد و در مجموع میانگین شوهر از پای بندی به آداب و رسوم ۸۱/۵ درصد و در مقابل زن ۹۱ درصد است. مقایسه درجه پای بندی به آداب و رسوم بر حسب قومیت نشان می دهد که امتیاز زوجین متعلق به قوم کرد ۱/۵۸ در طیف (۰-۲) اندکی بالاتر از زوجین قوم ترک با میانگین نمره ۱/۵۵ می باشد. اعتقادات دینی زوجین در ادای نماز، گرفتن روزه و شرکت در مراسم دینی مانند نماز جماعت، مراسم عزاداری، مسجد و ... مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که ۴۶ درصد از زوجین همیشه نماز خود را سر وقت ادا می کنند، ۵۰ درصد از زوجین در رمضان روزه خود را به طور کامل گرفته بودند، ۴۲/۵ درصد از زوجین خیلی زیاد در مراسم دینی شرکت کرده بودند. بررسی تطبیقی اعتقادات دینی زوجین بر حسب قومیت نشان می دهد که میانگین نمرات زوجین قوم کرد با ۲/۸۴ در روی طیف (۰-۶) بیشتر از قوم ترک با میانگین نمره ۲/۱۷ می باشد.

نتایج تحلیل توصیفی میزان خشونت علیه زنان در هر یک از ابعاد چهارگانه (اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و روانی) به شرح زیر است: در پاسخ به گویه های خشونت اقتصادی برای ۲۷/۳ درصد از زنان سخت گیری در تأمین معاش اتفاق افتاده بود، ۲۹/۶ درصد از زنان پول لازم در اختیارشان قرار نگرفته بود، از اموال و دارایی ۱۵/۴ درصد از زنان توسط شوهرشان سوء استفاده شده بود و ۵۱/۳

درصد از زنان معتقد بودند که شوهرشان آنها را در اموال منزل شریک نکرده‌اند. خشونت اقتصادی علیه زنان در جامعه آماری مورد مطالعه ، ۳۰/۹ درصد بوده است. مقایسه میانگین خشونت اقتصادی با توجه به قومیت بیانگر این است که امتیاز خشونت اقتصادی در قوم کرد با ۰/۵۸ در روی طیف (۲-۰) بیشتر از قوم ترک با میانگین نمره ۰/۴۹ است.

در بعد خشونت اجتماعی علیه زنان در پاسخ به گویه‌ها این نتایج به دست آمد: برای ۴۷/۲ درصد از زنان اتفاق افتاده که شوهرشان مانع خروج آنها از منزل شود. برای ۴۴/۷ درصد از زنان در مورد فعالیت‌های خارج از خانه محدودیت تعیین شده است. فقط برای ۱۵ درصد از زنان ممانعت از ملاقات با خانواده پدری اتفاق افتاده است و در نهایت برای ۲۳/۹ از زنان اتفاق افتاده که شوهرشان ملاقات و صحبت‌های آنها را با دیگران کنترل کند. به این ترتیب ۳۲/۷ درصد از زنان خشونت اجتماعی را تجربه کرده‌اند. مقایسه میانگین خشونت اجتماعی برحسب تعلق به قومیت بیانگر آن است که امتیاز خشونت اجتماعی در قوم کرد با ۰/۴۸ در روی طیف (۲-۰) بیشتر از قوم ترک با میانگین نمره ۰/۳۴ است.

در بعد خشونت روانی علیه زنان در ۶۹/۲ درصد از خانواده‌ها بحث و مشاجره لفظی شدید وجود داشته است. برای ۴۰ درصد از زنان بی حرمتی و یا اهانت به زن از طرف شوهر اتفاق افتاده است. بی احترامی به خانواده پدری زن فقط در ۱۶/۳ درصد از خانواده‌ها اتفاق افتاده است و در نهایت برای ۳۲ درصد از زنان قهر و یا بیرون کردن از خانه توسط شوهر اتفاق افتاده است. در مجموع میزان خشونت روانی علیه زنان ۴۱/۶ درصد می‌باشد. مقایسه میانگین خشونت

روانی برحسب تعلق به قومیت بیانگران است که امتیازخشونت روانی علیه زنان در قوم ترک با ۰/۵۱ در روی طیف (۰-۲) تقریباً برابر با قوم ترک با میانگین نمره ۰/۵۳ می‌باشد.

در خشونت فیزیکی علیه زنان ۴۵ درصد از زنان بیان کردند که شوهرشان آن‌ها را با سیلی زده است. ۳۲/۸ درصد از زنان به سختی هل دادن توسط شوهرشان را تجربه کرده‌اند. ۱۸/۲ درصد از زنان بیان کردند که بر اثر ضربات شوهر بدنشان کبود شده است و درنهایت برای ۹/۱ درصد از زنان زخمی شدن و یا شکسته شدن جایی از بدن توسط شوهرشان اتفاق افتاده است. در مجموع میانگین خشونت فیزیکی در زنان مطالعه شده ۲۶/۳ درصد بدست آمده است. مقایسه میانگین خشونت فیزیکی برحسب تعلق به قومیت بیانگران است که امتیازخشونت فیزیکی علیه زنان در قوم ترک با ۰/۳۳ در روی طیف (۰-۲) اندکی بالاتر از قوم کرد با میانگین نمره ۰/۳۰ می‌باشد و اگر بخواهیم میزان خشونت علیه زنان را در مجموع برآورد کنیم ملاحظه می‌شود که میزان خشونت علیه زنان ۳۲/۸ درصد بدست می‌آید که رقم بالایی را نشان می‌دهد.

در بخش تحلیل استنباطی یا دو متغیره پس از آزمون فرضیه‌های مطرح شده نتایج زیر حاصل شد:

- اولین فرضیه مورد قبول پژوهش این است که: میان سن ازدواج زن و خشونت علیه زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بدست آمده براساس آزمون همبستگی  $r$  پیرسون (۰/۱۸۹-) می‌باشد که نشان از وجود رابطه‌ای منفی میان سن ازدواج و خشونت علیه زنان دارد و در هر یک از ابعاد چهارگانه خشونت نیز رابطه منفی میان سن ازدواج و خشونت وجود دارد. یافته-

های پژوهش حاضر با پژوهش‌های الهوردیان (۱۳۸۴)، مارابی (۱۳۸۴)، همتی (۱۳۸۲) و شهنی ییلاق (۱۳۷۶) همخوانی دارد.

- دومین فرضیه مورد قبول پژوهش این است که بین اختلاف سنی زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی  $r$  پیرسون ( $r = 0/151$ ) در کل نشان از وجود رابطه‌ای مستقیم میان اختلاف سنی زوجین و خشونت علیه زنان دارد و به غیر از خشونت روانی آزمون همبستگی  $r$  پیرسون برای ابعاد سه گانه دیگر خشونت (اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی) به طور مستقیم معنی دار است، یعنی هر اندازه اختلاف سنی زوجین افزایش یابد، خشونت علیه زنان نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های الهوردیان (۱۳۸۴)، همتی (۱۳۸۲) و شهنی ییلاق (۱۳۷۶) نیز همخوانی دارد.

- فرضیه سوم مورد قبول در پژوهش حاضر این است که بین بعد خانوار و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون معنی‌داری  $r$  پیرسون ضریب همبستگی ( $r = 0/146$ ) بیانگر آن است که بین بعد خانوار و خشونت علیه زنان همبستگی خطی و مستقیم وجود دارد، یعنی هر چه بعد خانوار افزایش یابد، خشونت علیه زنان نیز افزایش می‌یابد و برعکس. بنابراین بعد خانوار از عوامل مهم در بروز خشونت می‌باشد. فتاحی مفرح (۱۳۷۹) نیز در مورد بعد خانوار و خشونت علیه زنان نیز رابطه معنی‌داری را گزارش کرده است، یعنی هر چه بعد خانوار بیشتر باشد، خانواده بیشتر درگیر مسائل و مشکلات ناشی از افزایش جمعیت می‌شود و بیشتر دچار کشمکش و درگیری می‌گردد که این امر زمینه بروز اختلاف و خشونت را بارز می‌کند.

- فرضیه دیگری که مورد پذیرش قرار گرفت این که بین میزان تحصیلات زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. نتایج بدست آمده از آزمون معنی داری  $r$  نشان داد که بین میزان تحصیلات زن و میزان تحصیلات شوهر و میزان تحصیلات زوجین در هر سه حالت رابطه معنی دار منفی وجود دارد. به بیان دیگر افزایش در هر سه مورد باعث کاهش در خشونت علیه زنان و به طور کلی باعث کاهش در ابعاد چهارگانه خشونت (اقتصادی، اجتماعی، روانی و فیزیکی) می شود. نتایج این پژوهش با یافته‌های فتاحی مفرح (۱۳۷۹) همخوانی دارد در حالی که در پژوهش دهقانی (۱۳۸۴) از عوامل موثر بر خشونت شوهران علیه زنان مشارکت علمی زوجین بیشترین تأثیر و درآمد شوهر کمترین تأثیر را داشته است.

- فرضیه پنجم مورد قبول پژوهش این است که بین اعتقاد مرد به پدرسالاری از دید زن و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. به این صورت که هرچه قدر در خانواده مرد به پدرسالاری معتقد باشد به همان اندازه خشونت علیه زنان افزایش می یابد. یافته‌های حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های درویش پور (۱۳۷۸)، الهوردیان (۱۳۸۴) در داخل و والدن (۲۰۰۲) و نود و همکاران (۲۰۰۶) در خارج مطابقت دارد. براساس این یافته پژوهشی، طرز تلقی‌ها و توقع زوجین از یکدیگر نیز نقش مهمی در بروز خشونت و تداوم آن دارد و در خانواده‌هایی که تلقی پدرسالارانه وجود دارد و اعمال خشونت مرد مشروع انگاشته می شود احتمال بروز خشونت بیشتر می شود. بر خلاف این نتایج، همتی (۱۳۸۲) رابطه مستقیم و معنی داری بین خشونت و اعتقاد به پدرسالاری نیافته است.

- فرضیه دیگری که مورد قبول واقع شد، این بود که بین اختلاف زوجین در پایبندی به آداب و رسوم و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. هر چه زوجین در آداب و رسوم با همدیگر اختلاف داشته باشند، میزان خشونت علیه زنان افزایش می‌یابد اما همبستگی این متغیر نسبت به متغیرهای دیگر نسبت به متغیر وابسته کمتر است. الهوردیان (۱۳۸۴) نیز در پژوهش خود اعتقاد مرد به پدرسالاری را بیشترین و متغیر اختلاف زوجین در پایبندی به آداب و رسوم کمترین سهم را در تبیین متغیر وابسته دانسته است.

- آخرین فرضیه مورد قبول پژوهش این است که بین اعتقادات مذهبی زوجین و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد، بدین نحو که هر چه اعتقادات مذهبی زوجین بالاتر باشد، میزان خشونت علیه زنان کاهش پیدا می‌کند و کاهش اعتقادات مذهبی باعث افزایش خشونت علیه زنان و به طور کلی باعث ابعاد چهارگانه خشونت (اقتصادی، اجتماعی، روانی و فیزیکی) به طور جداگانه می‌شود. یافته‌های پژوهشی الهوردیان (۱۳۸۴) نیز با این فرضیه مطابقت دارد.

تنها فرضیه ای که در پژوهش حاضر مورد قبول واقع نشد است که بین تعلق به قومیت و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. دلیل احتمالی رد شدن فرضیه فوق این است که:

الف: در اقلیت بسیار پایین قرار نداشتن هر یک از دو قوم در جامعه آماری، ب: برابر بودن دو قومیت در اکثر ویژگی‌ها و در نتیجه مساوی بودن میانگین خشونت به طور کلی در میان دو قوم، ج: عدم مبنای مقایسه مناسب میان دو قوم در ارتکاب خشونت علیه زنان.



در قسمت آخر نتایج تحقیق، به نتایج تحلیل چندمتغیره بین متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته می‌شود:

نتایج بدست آمده از تحلیل چند متغیره برازش رگرسیونی مدل‌های پنج گانه برازش رگرسیونی نشان دهنده آن است که در مدل اول متغیر وارده بر مدل نهایی (اعتقاد مرد به پدر سالاری) حدود ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خشونت اقتصادی علیه زنان) را تبیین می‌کنند. دو متغیر اختلاف زوجین در پای-بندی به آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی زوجین از مدل نهایی حذف شدند علت خارج شدن از مدل نهایی همبستگی ضعیف این دو متغیر با متغیر وابسته عنوان می‌شود. در مدل دوم همه متغیرهای وارد شده بر مدل نهایی به غیر از اختلاف زوجین در پای‌بندی به آداب و رسوم در مدل نهایی باقی مانده و این متغیرها نیز ۲۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خشونت اجتماعی علیه زنان) را تبیین می‌کنند و متغیری که بیشترین اثر را بر روی متغیر وابسته داشته اعتقاد مرد به پدرسالاری می‌باشد. در مدل سوم همه متغیرهای وارد شده بر مدل نهایی در مدل نهایی باقی مانده و این متغیرها حدود ۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خشونت روانی علیه زنان) را تبیین می‌کنند و متغیری که بیشترین اثر را بر روی متغیر وابسته داشته، اعتقاد مرد به پدرسالاری و کمترین اثر به متغیر اختلاف زوجین در پای‌بندی به آداب و رسوم مربوط می‌شود. همچنین در مدل چهارم تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام هیچ کدام از متغیرها از مدل نهایی حذف نشدند و این متغیرها حدود ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خشونت فیزیکی علیه زنان) را تبیین می‌کنند. متغیری که بیشترین اثر را بر روی متغیر وابسته داشته،

اعتقاد مرد به پدر سالاری و کمترین اثر به متغیر اختلاف زوجین در پای بندی به آداب و رسوم مربوط می‌شود.

سرانجام در آخرین مدل تحلیل برازش رگرسیونی به روش گام به گام که اصلی‌ترین مدل محسوب می‌شود کلیه متغیرها در مدل نهایی باقی ماندند. متغیرهای وارده بر مدل نهایی به میزان ۴۵ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته یعنی خشونت علیه زنان را تبیین می‌کنند. بقیه واریانس‌ها به وسیله عوامل ناشناخته که در این تحقیق نیامده است، تبیین و پیش بینی می‌شود. متغیر وابسته (خشونت علیه زنان) بیشتر از هر متغیر دیگر از متغیر اعتقاد مرد به پدرسالاری تأثیر می‌پذیرد و کمترین تأثیر بر روی متغیر وابسته مربوط به متغیر اختلاف زوجین در پای بندی به آداب و رسوم بوده است. نتایج تحلیل مسیر عوامل موثر بر خشونت علیه زنان نیز حاکی از عدم وجود چند هم خطی بین متغیرهای مستقل بوده و از این رو، اثرات مستقیم بدست آمده برای هر متغیر مستقل قابل اعتماد می‌باشد. بر اساس نتایج، متغیر اعتقاد مرد به پدرسالاری دارای بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته بوده و در تغییرات خشونت علیه زنان سهم این متغیر بیشتر از سایر متغیرها است.

خشونت علیه زنان یکی از مسایل اساسی در جامعه امروزی است. خشونت علیه زنان باعث پدید آمدن خانواده‌هایی با آسیب پذیری بالا می‌شود. خانواده‌هایی که در آنها خشونت زیاد دیده می‌شود فرزندان مستبد، بدون اعتماد به نفس و نابهنجار پرورش می‌دهند و خود بزرگسالان نیز در محیط کار رفتارهای نابهنجار دارند. این افراد در معرض خشونت، در روابط اجتماعی، از خود تزلزل و عدم اطمینان نشان می‌دهند. همچنان که در فصل اول پژوهش مطرح شده یکی

از اهداف تحقیق، سنجش میزان خشونت علیه زنان می‌باشد. برای رسیدن به این هدف پس از گردآوری اطلاعات از جامعه آماری این نتیجه حاصل شد که میزان خشونت علیه زنان در ابعاد چهارگانه آن (اقتصادی، اجتماعی، روانی و فیزیکی) در جامعه آماری ۳۲/۳۱ درصد است. علل بالا بودن میزان خشونت علیه زنان را می‌توان در عوامل زیر توضیح داد:

۱- اعتقاد به پدسالاری: همچنان که در نتایج تحقیق آمده است اعتقاد به پدسالاری باعث افزایش خشونت می‌شود. ترس از به زیرسوال رفتن غیرت مردان و عوامل مشابه آن مردان را طوری پرورش می‌دهد که از تقسیم اختیارات در خانواده سر باز می‌زنند.

۲- اختلاف در پایبندی به آداب و رسوم: هم‌فکری و هم‌نظر بودن زوجین در عمل به آداب و رسوم هم در کاهش خشونت تأثیر دارد. بنابراین تفاهم یکی از عوامل موثر در داشتن خانواده‌ای با آرامش می‌باشد.

۳- اعتقادات مذهبی: بالا رفتن اعتقادات دینی افراد باعث کاهش قابل ملاحظه در اعمال خشونت علیه زنان می‌شود. حتی اگر یکی از زوجین نیز از لحاظ اعتقادات بالا باشد تأثیر بسیاری در کاهش خشونت دارد.

۴- سایر عوامل از قبیل شغل شوهر، سن ازدواج زن، اختلاف سنی زوجین، بعد خانوار، درآمد، تحصیلات هر کدام نیز میزان خشونت علیه زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

آنچه در بالا مطرح شد، برخی از عواملی بودند که میزان خشونت علیه زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برخی از عوامل دیگر مانند اسنادهای مردان، عزت

نفس مردان، پایگاه اجتماعی مردان و ... نیز وجود دارند که بر خشونت علیه زنان موثر هستند، ولی در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

تحلیل وسیع و ارایه نظریه جامع در مورد خشونت علیه زنان، پژوهشی را با طراحی بسیار بالا می‌طلبد که در این تحقیق نمی‌گنجد. پیشنهادها و راهکارها بر اساس یافته‌های پژوهش در دو سطح خرد (که اقدام برای آن به خانواده‌ها برمی‌گردد) و کلان (که حل آن به تغییر ساختار جامعه مربوط است) تقسیم می‌شود. پیشنهادها و راهکارهای اجرایی به شرح زیر می‌باشد:

۱- یکی از راهکارهای مناسب برای کاهش تضاد و خشونت، گسترش فرهنگ گفت و گو، مذاکره، مشورت و هم‌فکری بین اعضای خانواده است. اگر مرد و زن یاد بگیرند که در هر مسئله با همدیگر حرف بزنند و مشورت و همفکری کنند، کمتر شاهد رفتارهای خشونت آمیز خواهیم بود. به نظر می‌رسد با جا افتادن این فرهنگ در میان خانواده‌ها در کنار اقدامات آموزشی مستمر، می‌توان در ساختارهای اجتماعی، قوانین، آداب و رسوم و باورها که از نابرابری اعضا حمایت می‌کنند (سطح کلان) رخنه کرد و متقابلاً با اصلاح و تغییرات ساختارها شاهد اصلاح درون خانواده‌ها نیز خواهیم بود.

۲- راهکار بعدی برای افزایش رضایت زناشویی، کاهش تضاد در خانواده و مدیریت تضادها می‌باشد. رسیدن به این هدف نیازمند آموزش همسران در خصوص مهارت‌های زندگی، شیوه‌های مدیریت تضاد و مهارت‌های حل مسئله و بالاخره گسترش فرهنگ گذشت و فداکاری بین همسران و خانواده‌ها می‌باشد.

۳- بالا بردن میزان تحصیل زنان به خصوص دختران جوان است. به عبارتی هر قدر سواد و دانش زنان افزایش یابد، به همان اندازه توانایی برخورد با آسیب‌های اجتماعی بیشتر است.

۴- فعال کردن مدارس برای آگاهی دادن به دانش آموزان درخصوص قبح رفتارهای خشونت آمیز، آموزش شیوه‌های ارضای مناسب نیازها، ترویج فرهنگ گفتگو به جای فرهنگ خشونت، استفاده مناسب از شیوه‌های تشویق و توبیخ (ارزش‌گذاری‌های مثبت و منفی) و عدم برخورد خشونت آمیز با کودکان، سبب کاهش و از میان رفتن این پدیده می‌شود.

۵- توجیه و آموزش و مشاوره‌های قبل از ازدواج و تاکید بر ازدواج همسان همسری.

۶- ارایه برنامه‌های آموزشی در رسانه‌ها به خصوص تلویزیون و عدم ترویج خشونت در رسانه‌ها.

۷- با توجه به تأثیر نگرش‌ها و اعتقادات در افزایش خشونت می‌توان به این نتیجه رسید که بازتاب آن‌ها در تفکر افراد و قوانین مشاهده می‌شود، به صورتی که با قرار دادن آن‌ها در موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی اجازه استفاده از خشونت را به دارندگان این موقعیت‌ها می‌دهد. بنابراین تغییر در نگرش جامعه و نمایش قبح رفتارهای خشونت آمیز از فعالیت‌های سازمان‌های دولتی است که باید با مداومت و کوشش نشان داده شود. پایان دادن به خشونت علیه زنان به معنای تغییر در هنجارهای جامعه، نگرش‌ها و اعتقادات فرهنگی است که از رفتارهای سوء مردان علیه زنان حمایت کرده و امکان بقا برای آن‌ها فراهم می‌آورد.

۸- از میان بردن آموزش‌های غلط دینی مخصوصاً در برنامه‌های درسی مدارس و برداشت‌های ناصحیح از قرآن و سنت. در نهایت نکته مهم آن است که تمامی اقدامات، زمانی به نتیجه خواهد رسید که به نتایج منفی خشونت برای فرد و جامعه عقیده داشته باشیم و بخواهیم از طریق انجام کارهای مختلف به خانواده مطلوب دست یابیم. درغیراین صورت، با خانواده‌هایی مواجه هستیم که زندگی اعضای آن نه به دلیل داشتن روابط مطلوب و صمیمانه بلکه بر اثر جبر اجتماعی و اقتصادی برای زندگی فیزیکی در یک مکان است. وجود چنین خانواده‌هایی نه تنها مطلوب نیست بلکه امکان بروز مشکلاتی برای جامعه نیز می‌باشد.

#### منابع

۱. اعزازی ، شهلا(۱۳۸۰): خشونت خانوادگی (زنان کتک خورده) ، تهران: نشر سالی.
۲. اعزازی ، شهلا(۱۳۷۶): جامعه شناسی خانواده، تهران : انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۳. الهویردیان عیدی، محمد(۱۳۸۴)، بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر خشونت علیه زنان در شهر نقده، پایان نامه(کارشناسی ارشد)، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۴. درویش پور، مهرداد(۱۳۷۸): «چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می‌شوند ؟ » ، مجله زنان، سال ۸ ، شماره ۵۶.

۵. دهقانی، عبدالرحیم (۱۳۸۴)، بررسی تاثیر سرمایه (اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی) بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده، پایان-نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه شیراز.
۶. ریحان صفت، تهینه (۱۳۸۳): بررسی عوامل مرتبط با خشونت شوهران علیه زنان در خانواده در مراجعین به دادگاه خانواده شهر تهران، پایان نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۷. شهنی بیلاق منیجه (۱۳۷۶): « رابطه برخی از عوامل جمعیت شناختی با خشونت مردان نسبت به همسران خود در شهرستان اهواز »، مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال ۴، شماره ۱ و ۲.
۸. کار، مهرانگیز (۱۳۷۹): پژوهشی در مورد خشونت علیه زنان، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۹. مارابی، محسن (۱۳۸۴): بررسی عوامل خانوادگی موثر بر خشونت علیه زنان در استان کردستان: مطالعه موردی شهرستان کامیاران؛ پایان-نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
۱۰. معتمدی مهر، مهدی (۱۳۸۰)، حمایت از زنان در برابر خشونت «سیاست جنایی انگلستان»، تهران: انتشارات برگ زیتون

۱۱. همتی، رضا (۱۳۸۲): «عوامل موثر بر خشونت مردان علیه زنان: مطالعه موردی در خانواده‌های تهرانی»، فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲.

۱۲. فتاحی مفرحی، مریم (۱۳۷۹)، بررسی وضعیت خشونت نسبت به زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی

13. Anderson, C.A., Bushman, B.J. (2002). *Human Aggression. Annual Review of Psychology*. 53, 27-51.

14. Babcock, J.C., Waltz, J., Jacobson, N.S. & Gottman, J.M. (1993). *Power and Violence: The Relation between Communication Patterns Power Discrepancies and Domestic Violence. Journal of Consulting psychology*, 67(1), 40-50.

15. Eshleman, J.R. (1991); *The family*, New York: Allyn and Bacon.



